

# ساکن دو فرهنگ

دیاسپورای ارمنی در ایران  
روبرت صافیاریان



## فهرست

- ۱ ..... مقدمه
- ۵ ..... تاریخ
- ۷ ..... ارامنه کی و چطور به ایران آمدند؟
- ۱۱ ..... آیا ارمنی‌ها اقلیت هستند؟ آیا اقلیت بودن بد است؟
- ۱۵ ..... سه نسل: سپاهی، عاشیق، بازرگان
- ۱۸ ..... نرگافت یا بازگشت به وطن
- ۲۱ ..... نگاهی به کتاب *تاریخ جلفای نو*
- ۲۳ ..... یک بحث قدیمی: ایرانیان ارمنی یا ارامنه‌ی ایران
- ۲۶ ..... دیدار جاثلیق آرام اول از ایران
- ۲۹ ..... ارامنه‌ی ایران در نخستین سال‌های استقرار جمهوری اسلامی
- ۳۵ ..... آلبرت کوچاریان چه می‌گفت و چه کرد
- ۴۱ ..... فرهنگ زندگی
- ۴۳ ..... تابوی ازدواج با غیر
- ۴۹ ..... آیا «چندفرهنگ‌گرایی» برای توصیف جامعه‌ی ارامنه‌ی ایران  
فرمول مناسبی است؟
- ۵۶ ..... ترجمه به مثابه‌ی خیانت
- ۵۸ ..... شبهه‌ی اجبار
- ۶۱ ..... فرهنگ کفش و فرش
- ۶۳ ..... چرا ارامنه نوزاد را جشن نمی‌گیرند؟

- ۶۵ ..... بی خیال «چروهرنگ»
- ۶۷ ..... در یک نام چیست؟ در یک «آ» چیست؟
- ۷۰ ..... فارسی را در چندسالگی آموختم؟
- ۷۴ ..... شهرهای ترکیبی و اهمیت خاک

## ۷۹ ..... هنر و ادبیات

- ۸۱ ..... روزنامه ارمنی زبان «آلیک» هشتادساله شد
- ۸۳ ..... آل احمد درباره‌ی ارامنه
- ۸۸ ..... لئوناردو آلیشان: ساکن سه فرهنگ
- ۹۱ ..... بازسازی زندگی ارامنه در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم
- ۹۹ ..... نگاهی به کتاب یک روز مانده به عید پاک
- ۱۰۲ ..... تصویری ناقص از وضعیت جامعه‌ی ارامنه‌ی ایران
- ۱۰۶ ..... پرسش «رفتن یا ماندن» برای هنرمند ایرانی-ارمنی
- ۱۱۶ ..... دیاسپورا، کتاب، مهاجرت
- ۱۲۲ ..... به زبانی کهن می‌نویسد که اندک مردمانی آن را می‌دانند
- ۱۲۶ ..... ایرانی، ارمنی، جهان‌وطن
- ۱۳۴ ..... سفر به سنت استپانوس
- ۱۳۶ ..... مجادله‌ی شرق و آلیک
- ۱۴۰ ..... اگزوتیسم در چندقدمی
- ۱۴۲ ..... عشق فهرست
- ۱۴۵ ..... تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نقاشان ارمنی ایران
- ۱۵۶ ..... بُردنِ خاک به گالری

## ۱۶۱ ..... نژادکشی

- ۱۶۳ ..... قتل عام ارامنه و بازار سیاست و فرهنگ جهانی
- ۱۶۶ ..... راه هراند دینک، در چهارمین سالگرد ترور او
- ۱۶۸ ..... هراند دینک که بود؟
- ۱۷۱ ..... درباره‌ی یرواند آتیان و کتاب سال‌های نفرین‌شده
- ۱۷۶ ..... ماهیت نژادکشی و اهمیت اندیشیدن

۱۸۱ ..... نمایه

## ارامنه کی و چطور به ایران آمدند؟

معمولاً تاریخ ورود ارامنه به ایران را نخستین سال‌های سده‌ی هفدهم میلادی می‌دانند، یعنی زمانی که شاه‌عباس گروه کثیری از ارمنیان را از شهر جلفا واقع بر کرانه‌ی رود ارس به مناطق مرکزی ایران کوچاند. اما واقعیت این است که حضور ارمنیان در سرزمین‌هایی که درون مرزهای ایران امروزی جا می‌گیرند، پیشینه‌ای دیرینه‌تر دارد.

در پس این پرسش که «ارامنه کی به ایران آمدند؟» دو فرض نادرست وجود دارد:

**نخست** این که گویی مرزهای کنونی ایران و ارمنستان همیشه همین بوده که امروز هست و ارامنه از آن سوی مرز به این سو آمده‌اند و در ایران سکونت گزیده‌اند.

**دوم** این که گویی در گذشته نیز مهاجرت مانند امروز با تصمیم شخصی و داوطلبانه صورت می‌گرفته است.

درباره‌ی فرض نخست باید گفت که در زمان هخامنشیان، ارمنستان جزئی از امپراتوری بزرگ ایران بوده است و به این معنا، همه‌ی ارامنه، ارامنه‌ی ایران بوده‌اند. این وضعیت در دوره‌ی ساسانیان نیز که ارمنستان ساتراپ‌نشین ایران بوده، وجود داشته است. و در بسیاری از دوره‌های دیگر، از سوی دیگر در برخی دوره‌های کوتاه، مانند دوره‌ی تیگران بزرگ

ایران به شکل جوامع کوچک در میان دیگر ایرانیان می‌زیسته‌اند، چه زمانی شکل گرفته‌اند؟ گفته می‌شود که از زمان داریوش هخامنشی ارامنه در ایران می‌زیسته‌اند، اما این‌ها بیشتر واسال\*هایی بوده‌اند که برای انجام وظایف‌شان نسبت به شاه شاهان به ایران می‌آمدند.

در دوره‌ی پیش از اسلامی شدن ایران، در سده‌ی سوم میلادی، شاه آرشاویر و در سده‌ی چهارم میلادی شاهپور دوم در پی لشگرکشی به ارمنستان در سال‌های ۳۶۸-۳۷۰ چند صد هزار ارمنی را به ایران آورده و در خوزستان و مناطق جنوب غربی ایران کنونی اسکان داده‌اند. بعد از ورود اعراب به ایران، این ارامنه هم همراه باقی مردم به اسلام گرویده‌اند.

دور جدید مهاجرت‌های اجباری ارامنه به ایران در زمان حمله‌ی سلجوقیان رخ داده است. در حمله‌ی سلجوقیان به ارمنستان در سال ۱۰۴۸ به نوشته‌ی اورهایتسی مورخ ارمنی، یکصد و پنجاه هزار نفر را از دم تیغ گذرانده و همین تعداد را به زور به ایران رانده‌اند. [تاریخ مختصر جامعه‌ی ارمنی در ایران، ادیک باغداساریان (به زبان ارمنی)، تهران، ۱۳۸۰، ناشر: مؤلف]

علاوه بر این، بعد از فروپاشی دولت مستقل ارمنی در سده‌ی یازدهم میلادی، مناطق ارمنی‌نشین ماکو، سلماس، خوی، اورمیه و قره باغ داخل مرزهای حکومت ایران جای می‌گیرند.

از میان شاهان سلجوقی، ملک شاه (۱۰۷۲-۱۰۹۲) نسبت به ارامنه خوش‌رفتاری کرده است؛ اورهایتسی به نظر نیک او نسبت به ارامنه اشاره کرده است.

به نوشته‌ی گاندزاکتسی، در زمان مغول‌ها نیز در سال‌های ۱۲۳۷-۱۲۳۸ تعداد کثیری از ارامنه به اسارت به ایران آورده شده‌اند. همین طور، به نوشته سرکیس گریچ، در سال‌های ۱۳۴۰ میلادی.

در سده‌ی سیزدهم میلادی شاهد مهاجرت‌های داوطلبانه هم هستیم. با تغییر مسیر راه‌های تجاری بین‌المللی و عبور آن‌ها از تبریز، گروهی از

(سال ۹۵ پیش از میلاد مسیح تا سال ۵۵ میلادی) پادشاه ارمنستان، بخش‌های قابل توجهی از آذربایجان ایران امروز جزو قلمرو او بوده‌اند، که از دریا تا دریا، یعنی از دریای مازندران تا دریای مدیترانه، گسترده بوده است. بسیاری از مناطق پیرامون دریاچه ارومیه از زمان‌های دور ارمنی‌نشین بوده‌اند و ارامنه‌ی این مناطق به یک معنا هرگز به ایران نیامده‌اند، همان‌جا بوده‌اند، منتها آن‌جا زمانی ارمنستان بوده است و امروز ایران.

پس برخی از ارامنه‌ی ایران هرگز به ایران نیامده‌اند، همین‌جا بوده‌اند. اما درباره‌ی ارامنه‌ای که در مناطق دیگر ایران (غیر از آذربایجان غربی امروز) سکونت داشته‌اند، چه می‌توان گفت؟ آن‌ها از ابتدا آنجا نبوده‌اند، اما خود نیز نیامده‌اند، آن‌ها را آورده‌اند و به این معنا لفظ «آمدن» درباره‌ی آن‌ها نیز نادرست است. حرکت‌های بزرگ جمعیتی در گذشته بسیار بیش از امروز جنبه‌ی اجباری داشته است. آن‌ها را در دوره‌های تاریخی گوناگون یا به اسارت آورده‌اند یا به کوچ مجبورشان کرده‌اند.

آنچه درباره‌ی کمک ارمنستان به مادها و حضور فرماندهان نظامی در ارتش هخامنشیان و همکاری‌های مشابه گفته می‌شود، در واقع رابطه‌ی قوم تابعی در یک امپراتوری است با سران امپراتوری و گاهی همکاری دو کشور (در سال‌هایی که ارمنستان مستقل بوده است). در زمان اشکانیان رابطه از این هم نزدیک‌تر بوده است. در سال‌های ۶۶ تا ۴۲۸ میلادی شاخه‌ای از خاندان اشکانیان بر ارمنستان حکومت می‌کردند که ارمنی بودند. این همکاری‌ها و ارتباطات در عین حال که گواهی است بر نزدیکی فرهنگی دو قوم و می‌تواند زمینه‌ساز تفاهم متقابل آن‌ها در زمان حاضر باشد (واژه‌ی قوم را در مورد ایران با اغماض به کار می‌برم. سرزمین ایران و امپراتوری‌هایی که در دوره‌های تاریخی مختلف بر آن حکومت کردند، مجموعه‌ای از اقوام گوناگون بوده‌اند)، اما با الگوی حضور اقلیتی دینی-قومی یا ملی در یک کشور تفاوت اساسی دارد و نمی‌تواند آغاز این حضور دانسته شود.

اما به هر رو، نخستین گروه‌های مردمان ارمنی که در مناطق درونی

\* vassal، دست‌نشانده.